

فرشاد مومنی اقتصاددان برجسته کشور مطرح کرد:

## برخی از دولتمردان ما حرفهایی می زنند که شرم آور است؛ حکومتی که مانع سازمان یابی مردم شود، آلت دست خارجی ها می شود

دکتر فرشاد مومنی، با بیان اینکه برخی از دولتمردان ما حرفهایی می زنند که شرم آور است، گویی آنها یک روز تاریخ را نخوانده اند، گفت: تمام کارکردهایی که روس و انگلیس در دوره قاجار و آمریکا و انگلیس در دوره پهلوی علیه شکل گیری بنیه تولید ملی در ایران به کار گرفتند، به صورت قاعده در چارچوب برنامه تعدیل ساختاری آمده است.

به گزارش سایت خبری پرسون، دکتر فرشاد مومنی، استاد دانشگاه علامه طباطبایی و رئیس موسسه مطالعات دین و اقتصاد که در نشست «ملی شدن نفت و توسعه ملی» سخن می گفت، خاطرنشان کرد: میراث اندیشه ای دکتر مصدق، در زمینه نرم افزارهای مورد نیاز برای توسعه، اگر اهمیتی فراتر از ملی شدن نفت نداشته باشد، کمتر از آن هم نیست. این هوشمندی ها دستاوردهای مقطعی بزرگ داشت و دشمنان استقلال، آزادی و توسعه ایران، بدنامی کودتا را به جان خریدند تا استمرار آن حرکت اعتلابخش را در ایران متوقف کنند.

اراده مشکوکی وجود دارد که در مردم ایران احساس یاس، سرخوردگی و ناتوانی القا کند

وی با بیان اینکه مساله ملی شدن نفت، به معنای دقیق کلمه، مساله ای ملی بود و شاید جرم دکتر مصدق این بود که عالمانه، هوشمندانه و مدبرانه در این مسیر ایفای نقش کرد، افزود: در دوره بعد از نخستین موج انقلاب صنعتی تا امروز، اراده مشکوکی وجود دارد که احساس یاس، سرخوردگی و ناتوانی را در مردم ایران القا کند که از درون آن، تسلیم ذهنی نسبت به سلطه خارجی ها در ایران را اجتناب ناپذیر نشان دهد. به گمان من، در عین حال که این انتظار که در یک ساخت توسعه نیافته رانتي، انتظار اینکه یک فرد، هیچ نقص و کاستی در کارش نباشد، انتظار نابجایی است، اکثریت قریب به اتفاق ندهایی که به دکتر مصدق شده، از دایره انصاف، اخلاق و علم خارج است.

تمام شبهه افکنیها درباره قهرمانهای مشروطه و مصدق، درباره انقلاب هم وجود دارد

این اقتصاددان گفت: تمام بساطی که در زمینه شبهه افکنی و به گونه ای لجن پراکنی و برچسب زنی های غیرعادی درباره دکتر مصدق وجود داشته، درباره قهرمان های مشروطیت و پیروزی انقلاب اسلامی هم وجود داشته و دارد. البته ما نمی توانیم به آنها بگوییم چرا وقتی منافعتان به خطر افتاده است به هر وسیله ای متشبث می شوید تا قهرمانان توسعه خواهی، عدالت طلبی، آزادی محوری و استقلال طلبی در ایران را بدنام کنید؛ تنها کاری که می توانیم مدنظر داشته باشیم و کاش حکومت ما هم به این سطح از بلوغ فکری و شعور برسد که راهبرد تبلیغاتی خود را در این چارچوب قرار دهد این است که به بحث های کارشناسی و عالمانه دامن بزند

ضرورت اجازه سازمان یابی به مردم دادن برای ارتقای بنیه اندیشه ای

مومنی اضافه کرد: در این رابطه، حتی به آنها که شدیداً در این زمینه شائبه مزدوری دارند، یعنی مثلاً تهمتهایی را می زنند و دروغهایی را مطرح می کنند و وقتی مستندات نادرست بودن حرفهایشان مطرح می شود، مدت کوتاهی سکوت می کنند اما بعد از مدتی دوباره این حرفها را تکرار می کنند، هم ایراد نمی گیریم. به هر حال پول گرفته اند که این حرفها را تکرار کنند. اما می گوییم راه نجات ایران این است که بنیه اندیشه ای مردم این سرزمین ارتقا پیدا کند. این مساله، لوازمی دارد که یکی از مهمترین آنها، اجازه سازمان یابی به مردم دادن است.

حکومتی که مانع سازمان یابی مردم شود، آلت دست خارجی ها می شود

این استاد دانشگاه با تاکید بر اینکه اگر حکومتی یا افرادی در این زمینه مقاومت هم کنند، حتی اگر حسن نیت هم داشته باشند، عملاً بنا به تجربه تاریخی ۲۰۰ سال گذشته، آلت دست خارجی ها می شوند، خاطرنشان کرد: اندازه های خودسازی اندیشه ای و تجربی دکتر مصدق آنچنان است که مردم ما باید بفهمند کسانی که به ایشان اهانت می کنند یا برچسب می زنند، از چه کسی سخن می گویند. مثلاً از موضع تحقیر و بدنام کردن، می گویند اسم دقیق تر مصدق، «مصدق السلطنه» بوده است. باید به آنها گفت این چه شرافتی است که ما به این مساله توجه نداشته باشیم که هر سلطنه ای که این همه شرافت، حریت، از خود گذشتگی، درایت و علم داشته، ما به او احترام می گذاریم. همانطور که اکنون هم مردم ایران به عباس میرزا عمیقاً احترام می گذارند و حساب او را از بسیاری از رجال دوره قاجار که عضو دربار بودند متمایز می دانند.

رئیس موسسه مطالعات دین و اقتصاد اظهارداشت: این بلوغ و شعور نجات دهنده است و در کنار همه سوابق علمی و تحصیلی دکتر مصدق و سوابق اجرایی بی نظیر او، مساله ای که تقریباً کسی به آن توجه نکرده، این است او ۲۵ سال از کل عمر حدود ۸۵ سال خود را یا در حبس بوده و یا در حصر! در کل تاریخ ۲۵۰ ساله گذشته ایران این خستگی ناپذیری و مجاهدت و شرافت پرهزینه را در چند نفر می توانید پیدا کنید!

باید باب گفت و گوهای علمی در زمینه دستاوردهای مصدق باز شود

وی با بیان اینکه مصدق مجاهدتهای بی نظیری در دوره مشروطیت داشته و آنجا که محمدعلی شاه به مردم اهانت کرد، چه گفت و گوهایی با او داشته و در برابر کسی که هر جنایتی را علیه مردم حق طبیعی خود می داند، با حریت و آزادگی ایستادگی کرده، تاکید کرد: حیاتی است که ما دانش خود را در این باره بالا ببریم و از شبهه افکنی هایی که مزدوران و غیرمزدوران علیه دستاوردهای خارق العاده چهره های بزرگ این ملت استفاده کنیم. می گوییم آنها هم آزاد باشند، شبهه افکنی کنند و دروغ هم بگویند، اما آن حکومتی که صادق باشد و در توسعه خواهی و استقلال طلبی را فهم کرده باشد، باید با باز کردن باب گفت و گوهای علمی در این زمینه، از ظرفیتهای ملی برای ایجاد حس اعتماد به نفس و احساس تعلق به کشور استفاده کند.

مومنی با یادآوری اینکه در ادبیات توسعه سیاسی تاکید می شود که مردم با مشارکت سیاسی در سرنوشت کشورشان، نسبت به کشورشان احساس تعلق پیدا می کنند، گفت: هر حکومتی که به هر بهانه ای باب را روی مشارکت سیاسی، اجتماعی و اقتصادی مردم کشورش ببندد، در مسیر مزدوری خارجی ها و متزلزل کردن تمامیت ارضی کشور حرکت می کند. اینها استانداردهایی است که وقتی به میراث اندیشه ای دکتر مصدق مراجعه می کنید، می بینید او در قول و فعل، می خواهد این ارتقای اندیشه ای را در ایران پدید آورد.

بزرگترین جرم مصدق از دیدگاه خارجی ها نشان دادن امکان قطع مناسبات وابستگی و رانتی بود

این استاد دانشگاه با بیان این اعتقاد که بزرگترین جرم مصدق از دیدگاه خارجی هایی که مطامعی در ایران دارند، این است که او نشان داد قطع مناسبات وابستگی و رانتی امکان پذیر است، اظهارداشت: این یک بارقه امید بزرگ و بی نظیر بود. مشابه این مساله، راجع به اصل انقلاب اسلامی هم وجود دارد، اکنون به واسطه این ناکارآمدی ها، بی کفایتی ها و فسادها، خیلی ها دچار تردید اساسی شده اند. در حالی که باید در جای خود و با جزئیات درباره این صحبت کرد که به محض اینکه انقلاب در ایران پیروز شد، آمریکایی ها مبلغ ۱۰۰ میلیون دلار هزینه کردند تا برجسته ترین ایران شناسان دنیا بسیج شوند و به این پرسش پاسخ دهند که دولت آمریکا در تنظیم روابطش با حکومت پهلوی چه خطاهایی کرده بود که در یک منطقه به غایت استراتژیک، چه خطاهایی کرده بود که متحد استراتژیک خود را از دست داد.

وی با بیان اینکه آمریکا اساس کار خود را بر زیربناهای اندیشه ای خود گذاشت و تلاش کرد از حداکثر ظرفیتهای دانایی استفاده کند تا خطایی که داشته تکرار نشود، تصریح کرد: به همین دلیل هم آمریکا از ۱۹۷۹ تا امروز، دیگر هرگز یک متحد استراتژیک خود را در یک منطقه استراتژیک از دست نداده است.

مومنی خاطرنشان کرد: چرا باید ظرفیت خارق العاده ملتمان که در قرن بیستم، سه بار، علی رغم اراده تمامی قدرتهای بزرگ جهانی و با وجود جنایتها و مقاومتهای استبداد داخلی، توانسته جنبش اجتماعی فراگیر توسعه خواهی را به پیروزی مقطعی برساند، را با دست خودمان تخطئه کنیم!

عملکرد آنها که در این میان بازی می خورند، برای ما پذیرفتنی نیست

در مشروطه و ملی شدن نفت، ۹۵ درصد بیسواد بودند، اکنون که ۹۰ درصد جامعه باسوادند!

این اقتصاددان یادآور شد: درک می کنیم که چرا سلطنت طلبان همان اندازه که به مشروطه خواهان، مصدق و حامیان فحاشی می کنند، به شهید بهشتی هم فحاشی می کنند، اما عملکرد آنها که در این میان بازی می خورند، برای ما پذیرفتنی نیست. در جریان مشروطه و ملی شدن نفت، اگر ملت بازی خوردند، بین ۷۵ تا ۹۵ درصد جمعیت به طور کلی بی سواد بودند، اما اکنون که بیش از ۹۰ درصد جامعه باسواد است و انقلاب انفورماتیکی و الکترونیکی هم باعث شده سطوح آگاهی های عمومی بالا رفته است، این عملکرد قابل قبول نیست.

اصل غیرتمندی، هوشمندی و زمان آگاهی مردمان را زیر سوال نبریم

مومنی با بیان اینکه اگر مشروطه خواهان، دکتر مصدق و انقلابیون پس از ۱۳۵۷ خطاهایی هم داشته اند، باید آن را عالمانه بپذیریم، گفت: این خطاها به طرز فاجعه آمیزی در بالغ بر سه دهه گذشته، از حدود متعارف خارج شده، آنها را هم بپذیریم اما اصل این غیرتمندی و هوشمندی و زمان آگاهی مردمان را زیر سوال نبریم؛ چرا که اگر از نظر ذهنی دچار سرخوردگی و یاس از خود شویم، اوضاع و احوالمان هزار پله از آنچه که اکنون است، بدتر خواهد شد. باید این بلوغ را از خود نشان دهیم و تلاش کنیم حکومت گرامی ما هم به این سطح از شعور برسد. آنها هم متاسفانه نقایص جدی در این زمینه دارند.

وقتی ایران اشغال شد، هیچ فرد و گروهی اعتراضی نکرد/ طاقت مردم از فسادها و ظلم رضاشاه از بین رفته بود

رئیس موسسه مطالعات دین و اقتصاد اضافه کرد: وقتی ایران اشغال شد، هیچ فرد و گروهی به اشغال ایران در شهریور ۱۳۲۰ اعتراضی نکرد. به گواه مطالعه محمد ترکمان، که یکی از پژوهشگران مطرح تاریخ معاصر ایران است، به قدری طاقت مردم از فسادها، جنایتها، ظلم ها و زورگوییهای رضا شاه از بین رفته بود، که معتقد بودند همین که دست این آدم از ایران کوتاه شد، هر بهایی داشته باشد، می ارزد! این دآوری اکثریت قاطع مردم ایران در شهریور ۱۳۲۰ بوده است.

کاش گفت و گوهای ملی صورت می گرفت

مومنی ادامه داد: مثلاً اکنون مساله راه آهن تبدیل به جنگ روانی علیه حکومت جمهوری اسلامی شده است. آنجا که حکومت جمهوری اسلامی،

خطاهای بین، فاحش، رفتارهای مشکوک و غیرعادی دارد، باید آن را عالمانه مطرح کرد، اما کاش گفت وگوهای ملی صورت می گرفت که ما هنوز بلاتکلیف در اسارت مشروطه و مشروعه باقی نمانیم. هنوز هم در اسارت مصدق در برابر کاشانی بلاتکلیف باقی نمانیم و این نقطه های بحرانی اندیشه ای را حل کنیم.

بررسی منطق مخالفت مصدق و مدرس با ایجاد راه آهن در ایران

وی با بیان اینکه درباره ماجرای راه آهن رضاشاه تحقیقاتی کرده است، توضیح داد: در شرایط خفقان وحشتناکی که رضاشاه ایجاد کرده بود، سید حسن مدرس و محمد مصدق، تنها افرادی بودند که به شدت با راه آهن مخالفت می کردند. منطق آنها این بود که می گفتند ایران به شدت به راه آهن احتیاج دارد، اما نه راه آهنی که شمال را به جنوب متصل کند، بلکه راه آهنی که شرق را به غرب برساند. با بررسی استدلالهای آنها، باید به غیرت و بنیه کارشناسی که آنها داشتند، درود فرستاد. می گویند وقتی راه آهن از شمال به جنوب وصل می شود، دو کارکرد بنیادی با ۱۰ کارکرد جانبی ضد توسعه ای دارد. اولین کارکرد ضد توسعه ای که روی آن تمرکز داشتند، این بود که با این کار امکان اینکه کالاهای ساخته شده خارجی خیلی ارزان به ایران برسد و ریشه تولید ملی را بسوزاند، افزایش چشمگیر پیدا می کند.

این استاد دانشگاه توضیح داد: آنها می گفتند ایران سرزمینی سرشار از ذخایر زیرزمینی است، این راه آهن که شمال را به جنوب وصل می کند، باعث می شود ذخایر زیرزمینی ایران خیلی ارزان به دست کشورهای صنعتی می رسد و بنابراین ایران در دام الگوی سنتی استعماری تقسیم کار جهانی به اسارت در می آید. یعنی فقط خام فروشی کند و کالاهای ساخته شده خارجی را وارد کند. این شاقولی است که می توان با آن سیاستهای امروز حکومت را هم به چالش کشید.

در دوره احمدی نژاد و حسن روحانی، سالانه ۳ میلیارد دلار واردات کالاهای قابل تولید در کشور داشتیم!

شائبه تسخیرشدگی نظام تصمیم گیریهای اساسی کشور به دست مافیاهای واردات

مومنی به پژوهشهای منتشر شده از سوی «محسن مسرت»، پژوهشگر اقتصاد که در آنها نشان داده شده در دوره احمدی نژاد و حسن روحانی، سالانه حدود ۳۰ میلیارد دلار واردات کالاهای ساخته شده قابل تولید در کشور داشتیم، اشاره کرد و ابراز عقیده کرد: این نشانه بی تدبیری و کم صلاحیتی نظام مدیریت اقتصادی کشور و همچنین شائبه تسخیرشدگی نظام تصمیم گیریهای اساسی کشور به دست مافیاهای واردات که پیوندی با منافع خارجی ها دارد، است.

یک میلیارد دلار واردات کالای قابل تولید در داخل = از بین رفتن ۲۵ تا ۱۰۰ هزار فرصت شغلی

رئیس موسسه مطالعات دین و اقتصاد اضافه کرد: براساس پژوهشهای «محمد نقی زاده»، ایران به ازای هر یک میلیارد دلار واردات کالاهای ساخته شده قابل تولید در کشور، بین ۲۵ تا ۱۰۰ هزار فرصت شغلی اش را در داخل از بین می برد و آن را به خارجی ها تقدیم می کند. از این دریچه می توان به طور اساسی، این سیاست پرفساد و مشکوک را به چالش کشید که از یک سو کار خارجیا را راه می اندازد و از سوی دیگر ایران را در اسارت وابستگیهای مشکوک ذلت آور قرار می دهد.

کشیدن راه آهن از شمال به جنوب، عملیاتی کردن قرارداد رویتر بود

مومنی با تاکید بر اینکه همه پژوهشگرانی که کار جدی درباره ایران در دوره قاجار و پهلوی کردند، اتفاق نظر دارند که کشیده شدن راه آهن از شمال به جنوب، چیزی جز عملیاتی کردند قرارداد رویتر در سال ۱۲۵۱ شمسی نبوده است، اظهارداشت: کلیدی ترین ستون فقرات امتیازی که ناصرالدین شاه به رویتر انگلیسی داده بود، این بود که راه آهنی از خزر به خلیج فارس کشیده شود. پشت این مساله، همیشه این بوده و این بسیار تلخ است. روحانیون و روشنفکران آن دوره این را متوجه شده بودند که این اقدام به نفع ایران نیست و اعتراضات گسترده ای توسط مردم صورت گرفت تا اینکه یک سال بعد، این امتیاز لغو شد و البته هزینه ها و خساراتی به ایران تحمیل کرد. انگلیسی ها آنچنان از رویتر حمایت و پیگیری کردند که در نهایت گفتند تنها در صورتی زیربار لغو این امتیاز می روند که امتیاز بانک شاهی به رویتر داده شود و سرانجام این چنین هم شد.

تنها ماموریت بانک شاهی ریشه کنی بنیه تولید ایران و واردات کالاهای انگلیسی بود

وی با اشاره به نامه های سیدجمال الدین اسدآبادی به میرزای بزرگ و نامه حاج امین الضرب به ناصرالدین شاه که در آنها با جزئیات کارشناسی توضیح داده شده که تنها ماموریت بانک شاهی ریشه کن کردن بنیه تولید ایران و بازکردن مسیر ورود کالاهای ساخته شده انگلیسی به ایران بوده است، اضافه کرد: هر امتیازی که به انگلیسیها داده می شد، بلافاصله روسها آن را مطالبه می کردند و هر امتیازی که به روسها داده می شد، بلافاصله انگلیسی ها هم آن را مطالبه می کردند. بنابراین سال بعد ازاین که امتیاز بانک شاهی به انگلیسی ها داده شد، امتیاز بانک استقراضی هم به روسها داده شد.

ماجرای تلخ تحقق راه آهن شمال & جنوب چه بود؟

این عضو هیات علمی دانشگاه علامه طباطبایی با بیان اینکه در سال ۱۹۰۱ که امتیاز نفت به دارسی داده شد، بلافاصله اعتراضات فرایندی طی کرد که از درون آن قرارداد معروف وثوق الدوله بیرون آمد و نکته اصلی و کلیدی آن این بود که راه آهن شمال به جنوب کشیده شود، گفت: آنها وقتی دیدند که از طریق کسانی که شناسنامه خارجی دارند، این کار امکان پذیر نیست، این راهبرد را از طریق رضاشاه پیش بردند. ماجرای پاره کردن و سوزاندن قرارداد نفت توسط رضاشاه هم دقیقا همین کارکرد را داشت، ژست توخالی ملی داشت، اما کارکرد آن تثبیت و مستحکم کردن پایگاه های نفوذ انگلستان در ایران بوده است.

گاه حتی کارشناسان سالم ما هم بازی می خوردند و رسالتشان را تطهیر رضاشاه می دانند

رئیس موسسه مطالعات دین و اقتصاد تصریح کرد: تاثیربرانگیز است که گاه حتی کارشناسان سالم ما هم بازی می خوردند و رسالت علمی خود را تطهیر رضاشاه می دانند. اینکه خدمات او را نادیده بگیریم، سخن حق است، اما مطلق کردن او، غیرعلمی و ظلم به کشور است؛ چرا که این کشور هزینه هایی از جانب سیاستهای او پرداخته است.

تاکید مدرس و مصدق بر ضرورت ارتقای بنیه تولید

مومنی گفت: در مسیر امیدبخشی به ایرانی ها و نشان دادن اینکه اگر لوازمی را رعایت کنیم، می توانیم روی پای خود بایستیم، نرم افزارهایی که محمد مصدق گذاشته و جزئیاتی که او و سیدحسن مدرس در تشریح موازنه عدمی بیان کرده اند، راهگشا است. استدلالهای آنها تا امروز هم به کار ما می آیند. می گویند اگر ایران بخواهد در معرض منازعه های هژمونیک میان قدرتهای بزرگ، تمامیت ارضی، هویت و جایگاه خود را حفظ کند، باید بنیه تولیدی خود را بالا ببرد. آنها باید ها و نبایدهای مسیری که ایران باید برای رشد بنیه تولیدی خود به پیش روی داشته باشد را بیان کرده اند.

تمام آنچه در تاریخمان تجربه کردیم، اکنون نیز مشاهده می شود

روس و انگلیس بر سر اینکه ایران سر بلند نکند و نقش نعش را بازی کند، توافق کردند

وی با بیان اینکه نرم افزارهایی که از نظر توسعه سیاسی در نطقها و مکتوبات دکتر مصدق بیان شده و شناختی که او از منازعه هژمونیک داشته ، کم نظیر است، تاکید کرد: اکنون نیز مساله اصلی دنیا، منازعه هژمونیک میان آمریکا و چین است و تمام آنچه ما در تاریخمان تجربه کردیم، اکنون نیز مشاهده می شود. ۱۹۰۶، انقلاب مشروطیت در ایران پیروز شد و ۱۹۰۷، روسها و انگلیسها با همه دعوایی که در اروپا و دیگر نقاط با یکدیگر داشتند، بر سر اینکه ایران نباید سر بلند کند و باید نقش نعش را بازی کند تا منافع انگلیس و روس در ایران تامین شود، توافق کردند و در تمام تحولات این مساله مشاهده می شود.

در اعتراضات مردم علیه امتیاز رویتر، سطوحی از همراهی روس و انگلیس هم وجود داشت

مومنی اضافه کرد: جالب است که در اعتراضاتی که مردم علیه امتیاز رویتر داشتند، سطوحی از همراهی روس و انگلیس هم وجود داشت! وقتی تحلیلها را می خوانیم، می بینم که روسها می گفتند چرا امتیازاتی که به روسها داده شده به ما داده نشده، انگلیس مخالفت می کرد به این دلیل که می گفتند رویتر، آلمانی تبار است و این امتیاز باید به فردی داده شود که خالص انگلیسی باشد.

برخی از دولتمردان ما حرفهایی می زنند که شرم آور است

گویی یک روز تاریخ را هم نخوانده اند!

کارشکنی روسها، علیه دکتر مصدق، ذره ای کمتر از انگلیسی ها نبود

این اقتصاددان ادامه داد: اکنون برخی از دولتمردان ما حرفهایی می زنند که شرم آور است، گویی آنها یک روز تاریخ را نخوانده اند! بزرگترین وجه اندیشه ای دکتر مصدق این بود که آن منازعه هژمونیک را می شناخت. می دانست که بعد از جنگ جهانی دوم یک وجه این منازعه هژمونیک میان آمریکا و شوروی است و وجه دیگر آن میان آمریکا و انگلیس است. او در برابر هر دوی اینها، قله هوشمندی را نشان داد. کارشکنی روسها تحت لوای انقلاب بلشویکی ، علیه دکتر مصدق، ذره ای کمتر از انگلیسی ها نبود. هر چه مصدق تلاش کرد بخشهایی از طلبهای دولت ایران را از روسها بگیرد، آنها تا قبل از کودتا هرگز پرداختی نداشتند؛ ضمن اینکه تا توانستند از طریق حزب توده هم جنگ روانی و مبارزه جدی سازمان یافته علیه دولت ملی را در دستور کار گذاشتند، ما نباید این موارد را فراموش کنیم!

آمریکا و انگلیس، ابتدا تلاش کردند منفردا علیه دکتر مصدق کودتا کنند

این استاد اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی با بیان اینکه در تجربه کودتا، آمریکا و انگلیس، چون با یکدیگر مشکل داشتند، ابتدا هر کدام تلاش کردند که منفردا علیه دکتر مصدق کودتا کنند، خاطرنشان کرد: بیش از صد بار در کنگره آمریکا تاکید شده بود که باید مصدق ساقط شود. اما با این حال، آنچنان شعور داشتند که اختلافاتشان را در مناطق دیگر حفظ کردند اما چون منافع استراتژیک مشترک در این منطقه داشتند، در این رابطه با یکدیگر همکاری کردند. اینکه گفته می شود اگر مصدق فلان شرط آمریکاییها را پذیرفته بود، کودتا نمی شد، بسیار خام اندیشی است. بحث اصلی آمریکا و انگلیس در ماجرای ملی شدن نفت این بود که می گفتند ولو اینکه آنها صددرصد حق دارند، اما بلند شدن این پرچم راه را برای استقلال و مطالبه گری سایر کشورهای در حال توسعه هم باز می کند و کرد.

بعد از ملی شدن نفت، ۴۷ کشور از زیر یوغ سلطه استعماری انگلیس بیرون آمدند

مومنی ادامه داد: بعد از ماجرای ملی شدن نفت در ایران، ۴۷ کشور از زیر یوغ سلطه استعماری انگلیس بیرون آمدند و بعضی از بزرگترین رهبران این تجربه های موفق، به صراحت گفتند که ما از دکتر مصدق الهام گرفته ایم! واقعا نباید برای ما شرم آور باشد که عده ای بگویند چرا مصدق نفت را ملی کرد! بعد برای اینکه این ملی شدن را محکوم کنند از جهاتی، همزمان با سلطنت طلبان و همزمان با آنها که منافعشان مخدوش شده، کارهای محمدرضا شاه را هم به حساب مصدق می ریزند!

بعد از کودتا، استراتژی مشترک آمریکا و انگلیس سوزاندن ریشه های صنایع ملی بود

وی به بخشهایی از کتاب «انور خامه ای» با عنوان «اقتصاد بدون نفت» اشاره کرد که در آن آمده است بعد از کودتا، استراتژی مشترک آمریکا و انگلیس این بود که تمام ریشه های صنایع ملی که در دوره مصدق شکل گرفته بود را بسوزانند، یادآور شد: انور خامه ای می گوید شدت واردات به حدی بود که اگر یک وارد کننده، بیش از یک هفته برای خروج کالای خود از گمرک تعلل می کرد، صرفه اقتصادی آن کالا از بین می رفت. ببینید چه کردند تا ریشه های بنیه تولیدی در ایران را بسوزانند. عین این شرایط در ماجرای مشروطیت هم بوده است.

برنامه تعدیل ساختاری، دقیقا همان کارکرد کودتا در ایران را داشت

می خواستند تمام ظرفیتهای تولیدی که در دولت مهندس موسوی ایجاد شده بود را از بین ببرند

هنوز کسانی نمی خواهند به روی خود بیاورند

این استاد دانشگاه تاکید کرد: برنامه تعدیل ساختاری هم دقیقا همان کارکرد کودتا در ایران را داشت، و وجهه همت آن این بود که تمام ظرفیتهای تولیدی که زیرساختهای نرم افزاری و سخت افزاری اش در دوره دولت مهندس موسوی ایجاد شده بود را از بین ببرند و تا حدود زیادی هم از بین برده اند. نشانه آن سقوط وحشتناک رابطه مبادله است که در این کشور اتفاق افتاده و هنوز کسانی نمی خواهند به روی خود بیاورند که این برنامه چه بر سر ایران آورده است. ببینید در ماجرای مشروطیت هم آن کسانی که با حداکثر سرعت اعدام شدند، چه کسانی بودند! «سیدجمال الدین واعظ» و «ملک المتکلمین». اینها افرادی بودند که جنبشهای ملی دفاع از تولید ملی و گرفتن فتوا از مراجع بزرگ وقت برای حرمت مصرف کالاهای خارجی را کلید زده بودند و جانشان را بر سر آن گذاشتند. شاقول از دستان خارج نشود، شاقول بنیه تولید ملی است.

مومنی به آرای «فردریک لیست» اشاره کرد که به رهبران آلمان تاکید می کند در غیاب بنیه تولید فناورانه، حفظ امنیت ملی ناممکن می شود و حکومت بخواهد یا نخواهد، دست نشانده و مستعمره قدرتهای بزرگ تولیدی دیگر خواهد شد، توضیح داد: جرم دکتر مصدق این بود که این مسائل را می فهمید و به لوازم آن هم پایبند بود. درست مانند میرزاتقی خان امیرکبیر و صنایع الدوله که شهید راه انضباط بخشی به بودجه دولت بود، اولین کاری که دکتر مصدق کرد، انضباط مالی بود. باورکردنی نیست که با وجود فشارهای شدید، تحریمها، تهدید تجاوز نظامی انگلیس و ورشکستگی مالی کامل دولت پیش از دکتر مصدق، او در کمتر از سه سال، بودجه با تراز مثبت بست. باید دست اندرکار بودجه بود تا درک کرد این مساله چه معنایی می دهد و مستلزم چه مجاهدتهایی است و دست انداختن در چنگال چه اژدهاهای راتخوار، مفتخور و لاشخوری است که همواره در ایران به ساختار قدرت می چسبند و باب اصلاح را می بندند.

مجری اوامر مافیای واردات شدن، گور خود را کنند است!

وی ادامه داد: اکنون نیز «محسن مسرت» و «محمد نقی زاده» به حکومت ایران هشدار داده اند مجری اوامر مافیای واردات شدن، گور خود را کنند است! محور، واردات کالاهای ساخته شده قابل تولید در کشور است! با این معیار، گزارشهای اقلام واردات ایران را از سالنامه های گمرکی بگیرید! خدا شاهد است که شرم آورند! اکنون ما محصولاتی که در پیشامدرنیسم قادر به تولید بودیم را وارد می کنیم و در تمام اینها بر سر با کیفیت ترین آدمهای تحصیل کرده مان می زنیم. چون نمی توانیم برایشان شغل ایجاد کنیم، آنها را از ایران فراری می دهیم و چاقوی خارجی ها را علیه منافع ملی مان تیزتر می کنیم! ماجرا را بر محور شاقول بنیه تولید ببینید تا خود را از این فریب کاری ها نجات دهید.

این بازی ها شناخته شده اند و بسیار تلخ و غم انگیز است که دوباره از اینجا بازی بخوریم!

رئیس موسسه مطالعات دین و اقتصاد با تاکید بر اینکه بزرگترین نقطه قوت دکتر مصدق در جریان ملی شدن نفت توجه به مقوله بنیه تولید ملی بود، گفت: متأسفانه اکنون برخی با اقدام شبه مزدوری این بزرگترین نقطه قوت را به عنوان نقطه ضعف معرفی می کنند. ماجرای ملی شدن نفت یک خواست ملی بود و حتی محمدرضا شاه هم جرات نداشت با آن مخالفت کند. تمام طیفهای مجلس روی این مساله فشار آورده بودند و مجلس پیش از دولت مصدق، دو دولت را به دلیل تعلل در ماجرای ملی شدن، ساقط کرده بود. اینکه همه چیز را روی دکتر مصدق متمرکز می کنند، درست مانند این است که بعد از پیروزی انقلاب، طیف ضد انقلاب هر چه در ایران رخ می داد را با محوریت شهید بهشتی عنوان می کرد. تمام این بازی ها شناخته شده

اند و بسیار تلخ و غم انگیز است که دوباره از اینجا بازی بخوریم!

به جای تکیه بر بنیه تولید، بی پروا چاقوی مافیای واردات را تیزتر می کنند

فضای اقتصاد کلان ایران را ناامن می کنید

مومنی ادامه داد: دکتر مصدق برای اینکه بنیه تولیدی ارتقا یابد، انضباط مالی و شفاف سازی فرایندهای تصمیم گیری و تخصیص منابع را به طور جدی دنبال کرد و برای شفافیت هزینه های زیادی داد. بعدها مستندات اینکه آن طیف از کسانی که بازی آمریکا و انگلیس را خوردند و با مصدق درافتادند، چه میزان پول گرفته بودند درآمد. از زنده یاد عالی نسب مکرر شنیدم که بخش بزرگی از کسانی که با مصدق درافتاده بودند به دلیل پیگیری سفارشیهای رانتی شان بود. مرتب دست خط می دادند که رانتهایی به افرادی تعلق بگیرد و مصدق این کار را نمی کرد؛ چرا که می دانست اگر مناسبات مبتنی بر رانت و فساد استمرار داشته باشد، نمی شود بنیه تولیدی را ارتقا داد. خطاب تک تک آنها حکومت فعلی هم هست. به محض اینکه می خواهند فردی را مطرح کنند، امتیاز صادرات و واردات به او می دهند، بدون اینکه صلاحیت داشته باشد. به جای تکیه بر بنیه تولید، بی پروا چاقوی مافیای واردات را تیزتر می کنند. دائماً با سیاستهای نابخردانه پولی، مالی و تجاری فضای اقتصاد کلان ایران را ناامن می کنید که افراد برای سرمایه گذاری در تولید، بترسند.

اختصاص سود سپرده تضمین شده ۳۰درصدی به عنوان قاعده نجات بخش، شرم آور است

نرخ بهره بالای ۵درصد در دولت بدهکار، به معنای تسخیر توسط رباخوارها است

این استاد دانشگاه گفت: نمی خواهم بگویم چه بسا شک کنیم به اینکه این افراد به چه کسانی وصل هستند، اما شرم آور است وقتی که سود سپرده تضمین شده ۳۰درصدی را به عنوان قاعده نجات بخش، قرار می دهند. در مدیریت اقتصادی همین دولت، افرادی حضور دارند که قبل از اینکه به این منصب برسند، کتاب ترجمه کردند که در آن آمده اگر دولتی به شدت بدهکار باشد و به نرخ بهره بالای ۵درصد تن دهد، یقین کنید این دولت به تسخیر بخشهای غیرمولد و رباخوارها درآمد است. این دولت ۳۰درصد تضمین می کند! به معنای این است که اگر با آن مبنا بخواهند به تولیدکننده ها با پولهای جمع شده وام دهند، کف آن روی ۳۸درصد می رود! با کدام بنیه تولیدی می توانیم فقط ۳۸درصد به رباخوارها بدهیم! چه کسی با این وضعیت سراغ تولید می رود!

می خواهند طلا را هم دستمایه فعالیت های سوداگرانه کنند

رئیس موسسه مطالعات دین و اقتصاد اضافه کرد: بعد برای اصلاح سیاست شان، هر روز یک نوآوری جدید می کنند تا دوباره طلا را هم دستمایه فعالیت های سوداگرانه کنند و رباخواری های سوداگرانه ای هم از آن کانال راه اندازند، تمام اینها ریشه تولید را می سوزاند!

وی گفت: در نظام مالیات ستانی شان، بیشترین و غیرعادی ترین سهل گیری ها و معافیتها را برای ثروتهای غیرمولد انباشته شده در نظر گرفته اند و بیشترین فشارها را بر تولیدکننده ها و عامه مردم گذاشته اند! چرا این گونه می شود، چون نتوانستیم از مشروطه و نهضت ملی شدن نفت، درس سطح توسعه بگیریم!

دانشگاه را تبدیل به خانه اموات کرده اند، نفسی از آن بیرون نمی آید!

مومنی خاطرنشان کرد: مصدق نه تنها فساد را کنترل و انضباط مالی دولت را ایجاد و فرایندهای تصمیم گیری و تخصیص منابع را شفاف کرد، که خدا می داند چقدر برای آنها چوب خورد و هزینه داد، بلکه تلاش کرد آزادی مطبوعات حفظ شود تا فساد در دولت رخنه نکند. به نهاد دانشگاه استقلال بخشید و سعی کرد از دست اندازی قدرت مصون بماند. اکنون دانشگاه را از جهاتی تبدیل به خانه اموات کرده اند و نفسی از آن بیرون نمی آید. دنبال این هستند که بهانه پیدا کنند و با هر استاد باشرف و صاحب صلاحیتی برخورد کنند و او را از انگیزه ببندازند، خلع کنند و افراد بی کیفیت و کم کیفیتی را جایگزین او کنند. اینها هیچ کدام به نفع کشور نیست.

وی اظهارداشت: مصدق با هوشمندی بسیار روی عدالت اجتماعی و موازنه قدرت &ndash؛ ثروت کار کرد. به جای اینکه به جامعه روستایی شوک وارد کند، آرام آرام زور کشاورزان را بالا برد و از قدرت ملاکان غیرمولد کاست و از درون آن، یکسری منابع مالی آزاد کرد تا بستر جهش توسعه ای در بخش کشاورزی را فراهم کند. نمونه این کار در بخش صنعت هم انجام شده که خارق العاده است. یکی دیگر از کارهای حیاتی او، کنترل الگوی مصرف لوکس و تجملی بود. اقدامات او منطق بسیار مستحکمی داشته و هوش از سر می برد که چقدر زمان آگاه بوده است.

راه حفظ تمامیت ارضی ایران، زیر چتر یک قدرت خارجی رفتن نیست

می گویند اتحاد استراتژیک با روس ببندیم تا زیر فشارهای دیگر نباشیم!

جنایتها، ناجوانمردیها و فسادهای پرشمار روس را در تاریخ ۲۰۰ ساله اخیر تا امروز نمی بینید!

رئیس موسسه مطالعات دین و اقتصاد، اضافه کرد: او می دانسته اگر ایران بخواهد تمامیت ارضی اش را حفظ کند و به سمت توسعه برود، راهش این نیست که زیر چتر یک قدرت خارجی برود تا از فشارهای قدرت خارجی دیگر خارج شود. چقدر تاسف آور است که اکنون برخی از این راه حلها به ما ارائه می دهند و می گویند اتحاد استراتژیک با روس ببندیم تا زیر فشارهای دیگر نباشیم! جنایتها، ناجوانمردیها و فسادهای پرشمار روس را در تاریخ ۲۰۰ ساله اخیر تا امروز نمی بینید! گواهی هایی که وزیر خارجه دولت آقای روحانی می دهد و می گوید کارشکنی هایی که روسیه علیه برجام اگر بیش از آمریکا و انگلیس نبود، کمتر از آنها هم نبوده است.

هر بار که ایران تحت فشار قرار داشته، چین امتیازهای غیرعادی از ما گرفته

این اقتصاددان یادآور شد: نمی بینید که چینی ها هر بار که ایران تحت فشار قرار داشته، چه امتیازهای غیرعادی از ما گرفته، نفتمان را چگونه از ما می خردند و پولمان را چگونه به ما می دهند! تمام اینها، گواه هایی است که نشان می دهد ما برای اداره شرافتمندانه و مبتنی بر استقلال ملی، چقدر نیاز داریم از دریچه بنیه تولید ملی و توسعه خواهی، تجربه مشروطه خواهی و ملی شدن نفت و تجربه فاجعه آفرینیهای پسا برنامه تعدیل ساختاری در ایران را زیر ذره بین بگذاریم.

برنامه تعدیل ساختاری، کارکردهای روس و انگلیس علیه بنیه تولید ملی را داشته است

به گفته مومنی؛ تمام کارکردهایی که روس و انگلیس در دوره قاجار و آمریکا و انگلیس در دوره پهلوی علیه شکل گیری بنیه تولید ملی در ایران به کار گرفتند، به صورت قاعده در چارچوب برنامه تعدیل ساختاری آمده است. تلخ و غم انگیز است که تمام عوارض علیه توسعه ایران، عریان شده است. بیشمار کتاب و مقاله در این باره وجود دارد. گمرک گزارش کرده که فقط در پنج سال اول اجرای برنامه تعدیل ساختاری، واردات کالاهای لوکس و تجملی در ایران، نسبت به دوره جنگ، ۵۳ برابر شد. هر کسی درکی از اداره اقتصاد ملی دارد، می فهمد که اگر بخواهی بنیه تولید ملی را ارتقا دهی، خودت را هم بکشی، ممکن است یک تا سه درصد افزایش ایجاد شود. اما در عرض پنج سال برای واردات کالاهای لوکس و تجملی ۵۳ درصد افزایش داشته ایم!

آنچه در این دولت پیش می رود نسبت به قبلی ها، حکایت ضرب المثل «کوه موش زایید» است

این اقتصاددان گفت: فکر می کنند همه چیز با ادا درآوردن حل می شود، در عرض یازده سال، چهار سند استراتژی توسعه صنعتی منتشر کردند که یکی از دیگری، غیرتوسعه ای تر، بی کیفیت تر و ضدتوسعه ای تر است که شرح آن در این دولت ماجراهای بسیاری دارد. آنچه که اکنون در این دولت پیش می رود نسبت به قبلی ها حکایت ضرب المثل «کوه موش زایید» است. آنها که به آن اسناد انتقادات به حقی می کردند، خود اکنون به ورطه ای افتاده اند که می گوئیم صد رحمت به قبلی ها! شاقول بنیه تولید صنعتی است و همه لوازمی که دکتر مصدق مورد توجه قرار داد این بود. بزرگترین فهم او از دریچه اندیشه توسعه این بود که او بر توهم جهانشمول پنداری گزاره های تئوریک غلبه داشت و آن را در عرصه های اقتصادی و سیاسی محقق کرده بود.

مزدوران و غافلان، از طریق جابجایی فریبکارانه، کارهای درست دکتر مصدق را تخطئه می کنند

وی با بیان اینکه برای کشورهایی که شرایط یکسان دارند، می توان قاعده های یکسان بر آنها سوار کرد، اضافه کرد: مزدوران و غافلان، از طریق جابجایی فریبکارانه، کارهای درست دکتر مصدق را تخطئه می کنند و ما باید داناییهای ملی مان را در این زمینه بالا ببریم. مصدق با سلطه خارجی ها مخالف بود، اما عده ای می گویند او با مدرنیسم مشکل و مرزبندی داشت. او به انگلیس می گوید خودتان بعد از جنگ جهانی دوم، برای نجات اقتصادتان بخش بزرگی از صنایعتان را ملی کردید، چطور حالا با ما که می خواهیم صنعت نفتمان را ملی کنیم، مشکل پیدا کردید!

مومنی با بیان اینکه مصدق مردم را صاحب حق می دانست اما برخی نام آن را پوپولیسم گذاشته و او را تخطئه می کنند، گفت: او با رویکردهای هیجان آفرینی برای فرصت طلبی سیاسی، مرزبندی داشت. مصدق حدود دو، سوم ارثیه ای که برایش به جا مانده بود را خرج اداره نخست وزیری کرد و اجازه نداد اداره نخست وزیری دیناری بار بر بیت المال داشته باشد. علاوه بر اینها، او در تمام نصیحتهایش به محمدرضا شاه، گفته است اگر حکومتی به مردم خود متکی نباشد، لاجرم باید دست نشانده و مزدور خارجی ها باشد. البته باید پیچیدگی های دست نشاندهی مدرن را درک کرد و دانست که چگونه می توان با ژست ملی این کار را پیش برد. این هم ماجرای است! ما در سرزمینی زندگی می کنیم که فرصت طلبان از ۱۳۳۲ تا ۱۳۵۷، روز کودتای ۲۸ مرداد را تعطیل اعلام کرده و آن را «روز قیام ملی» نام نهاده بودند. «کودتا» شد «قیام ملی»! اکنون عقبه های کودتا در ایران، در حالی که خود آمریکا

و انگلیس رسماً آن را پذیرفته اند می گویند هیچ کودتایی نبود، حقیقتاً آنها در زمین چه کسی بازی می کنند!